

ساز و کارهای پیشگیری و کاهش جمعیت کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

سید عبدالمجید اجتهادی^۱ lawmanali@yahoo.com

علیرضا شعبانی و رکانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

چکیده^۳:

تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ توسط مجلس شورای اسلامی، به نظر میرسد رویکرد قانون‌گذاران ایران در قبال این پدیده، صرفاً کیفر محور بوده و به زعم قانون‌گذار ساده‌ترین پاسخ به آن، به کارگیری پاسخ‌های کیفری بوده است با توجه به این سیاست کیفری افتراقی نسبت به پدیده‌های مجرمانه‌ای اتخاذ می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی نسبت به جرایم سنتی بوده و بین ویدگی ایجاب می‌کند که رژیم‌های متفاوتی در زمینه بزه‌انگاری، ریدگی به آن‌ها اتخاذ شود، باید دید آیا قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در راستای کاهش جمعیت کیفری اقدام مفیدی به عمل آورده یا خیر؟ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گام جدیدی در تغییر رویکرد سرکوبگرانه قانون‌گذار در مقابله با این پدیده، محسوب می‌گردد چراکه با اتخاذ تدابیر پیشگیری موقعیت‌مدار به این نتیجه مهم می‌توان رسید، که راهکار خردمندانه، اتخاذ پیشگیری غیرکیفری قبل از پیشگیری کیفری است.

راهبرد سیاست کیفری ایران در قبال این پدیده در عین افتراقی بودن، بر پیشگیری استوار است. در این راستا قانونگذار جهت کاهش جمعیت کیفری تدابیر بدیعی سنجیده است. یکی از جلوه‌های سیاست کیفری افتراقی در مقابله با قاچاق کالا و ارز و کاهش جمعیت کیفری نگاه متفاوت قانون‌گذار در نوع بزه‌انگاری قاچاق کالا و ارز و تقسیم آن به جرم و تخلف است. به طوری که برخی از رفتارهای مرتکبین را جرم و در صلاحیت مراجع

۱. دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی تهران

۳. مقاله حاضر برگزیده نخستین جشنواره دانشجویی در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۹ است

قضایی قرار داده و برخی دیگر را به‌عنوان تخلف تلقی و بیت‌رسیدگی به آن‌ها را به تعزیرات حکومتی واگذار کرده است. قانون در حوزه پیشگیری به تفضیل در ابعاد کوتاه مدت و بلند مدت بدان پرداخته است. در کوتاه مدت راهبرد پیشگیری، پیشگیری وضعی فن‌آورانه و شبخاتنه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در فصل دوم خود به هر دو راهبرد بلندمدت و خصوصاً راهبرد پیشگیری وضعی توجه ویژه داشته است.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی تحلیلی است که داده‌های آن به صورت مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی یادداشت و تحلیل شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن تبیین جامع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دامنه شمول ساز و کارهای پیشگیری و کاهش جمعیت کیفری در این قانون را به تفضیل بیان و بازتاب این قبیل بزه‌انگاری، حبس‌زدایی، قضازدایی و برخوردها را در کاهش جمعیت کیفری کشور تفحص نمود.

واژگان کلیدی:

قاچاق کالا و ارز، حبس‌زدایی، قضازدایی، جمعیت کیفری، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، پیشگیری

۱. مقدمه:

پدیده قاچاق کالا در کشور، واقعیتی مشهود است که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و گاهی سیاسی، به ویژه در سال‌های اخیر، شکل گرفته و به تبع آن عواقبی نیز برای مردم و دولت در پی داشته است. مهم‌ترین تأثیرات این رفتار سودجویانه عبارتند از کاهش حقوق و عوارض دولتی، عدم تعادل در بازار رقابتی، تقویت توان شبکه‌های مجرمانه و به پیروی از آن گسترش فساد مالی و اداری از طریق تبانی و ارتشا و ایجاد اختلال در بخش تولید و توزیع کشور، علاوه بر این تأثیرات مخرب و منفی زیادی را بر عملکرد و کارکرد سیاست‌های تجاری و اقتصادی تحمیل می‌کند و این مسئله یکی از موضوعاتی است که ذهن بسیاری از مدیران دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی از جمله کسبه و تجار را به خود مشغول نموده است. بزرگ‌ترین پیامد منفی این پدیده شوم، اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌باشد که منجر به کاهش میزان اشتغال،

کاهش تولید داخلی، کاهش درآمدهای دولت، برقرار نشدن عدالت مالیاتی، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و بروز آثار منفی دیگری در جامعه می‌شود.

قاچاق کالا و ارز، پدیده‌ای ماهیتاً اقتصادی است که از دیر باز، وجود داشته لیکن متأسفانه دولت‌ها همواره به‌غلط، با دید بزه به آن نگرسته و بیش از آنکه به فکر حل ریشه‌ای آن از طریق اصلاح سیستم اقتصادی خود باشند، به فکر برخورد با آن به‌عنوان یک بزه بوده و در واقع به مبارزه با معلول به جای علت پرداخته‌اند. غافل از آنکه نمی‌توان با دید بزه‌انگاری در برخورد با آن به نتیجه مطلوب رسید.

تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ رویکردها صرفاً کیفر محور بوده است اما قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گام جدیدی در تغییر رویکرد سرکوبگرانه قانون‌گذار در مقابله با این پدیده، محسوب می‌گردد چراکه با اتخاذ تدابیر پیشگیری موقعیت‌مدار به این نتیجه مهم می‌توان رسید، که راهکار خردمندانه، اتخاذ پیشگیری غیرکیفری قبل از پیشگیری کیفری است.

در مقررات قاچاق کالا و ارز خصوصاً با واگذاری عمده صلاحیت رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی، خود به نوعی قضا‌دایی و با توجه به این‌که پرونده‌های مطرح در شعب سازمان تعزیرات حکومتی عنوان تخلف (ماده ۴۴ ق.م.ق.ک.ا) دارند، به نوعی جرم‌زدایی صورت گرفته است، در نتیجه تعداد زیادی از پرونده‌ها از فرایند دستگاه قضایی خارج شده و منتهی به حبس زدایی گردیده که این اقدام قانونگذار، در راستای استفاده از ضمانت اجرای اداری، تلقی می‌شود.

علاوه بر آن در سیاست تقنینی نیز قانونگذار اقداماتی را در جهت کاهش جمعیت کیفری، حتی در مواردی که اقدام به بزه‌انگاری نموده، راهکار صیانت از حقوق ذی‌نفعان را مبارزه فیزیکی از طریق تشکیل پرونده و محاکمه افراد پنداشته و با اتخاذ تدابیری و تصویب تکالیفی برای مراجع رسیدگی‌کننده در جهت کاهش جمعیت کیفری گام‌های مثبتی برداشته است، که از جمله آن می‌توان به: تکلیف شناسایی اموال در پرونده‌های با ارزش کالا بیش از یکصد میلیون ریال (تبصره ۲ ماده ۴۱)، الزام به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی به طرق مقتضی (ماده ۴۸)، امکان وصول جریمه نقدی از محل فروش وثیقه‌های تودיעی خود یا دیگری

یا اموال شناسایی شده (ماده ۶۰)، امکان فروش محل نگهداری کالای قاچاق ممنوع وصول جریمه از محل آن (تبصره ۵ ماده ۲۲)، ارجاع موارد سکوت قانون به قوانین عام (ماده ۵۱)، امکان استفاده از تخفیفات مقرر قانونی در اجرای حکم اعم از معافیت ۲۰ درصد جزای نقدی (تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک) و اسقاط حق تجدید نظر خواهی (ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک)، استفاده از معاذیر قانونی در صورت همکاری جهت کشف و یا دستگیری سرشبکه‌های قاچاق (ماده ۷۲) و غیره اشاره نمود که همگی مؤید التفات قانونگذار بر کاهش جمعیت کیفری از طریق وصول حقوق دولت با استفاده از اموالی که تکلیف به شناسایی و توقیف آن‌ها نمود است، دارد.

و دولت نیز در تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به ویژه آیین‌نامه اجرایی مواد ۶ و ۵ مقررات مورد لزوم برای قدم برداشتن در این مسیر را تعیین و به تصویب رسانیده است. از طرفی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با وجود به کار بردن کلمه «مبارزه» در عنوان قانون، عمدتاً به پیشگیری روی آورده و به نوعی با صدای رسا، این پیام را منتقل نموده که تنها سرمایه‌گذاری برابر در حوزه پیشگیری و مجازات می‌تواند موج نگران‌کننده جرایم اقتصادی را در دراز مدت مهار کند.

۲- تعاریف و کلیات

۲-۱- تعریف قاچاق کالا و ارز در قانون مبارزه با قاچاق:

تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳، برای ارائه تعریف حقوقی این اصطلاح، مشکل جدی وجود داشت، بنابراین در اندک کتب چاپ شده با توجه به مصادیق قاچاق کالا، تعاریف متفاوتی ارائه شده بود.

قاچاق به لحاظ معیار وارد کردن و خارج کردن از مرز شامل هر چیزی، از کالا گرفته تا انسان و از عتیقه‌جات گرفته تا تسلیحات، همه را در برمی‌گیرد ولی در زبان عام اگر قاچاق به تنهایی به کار رود، بیشتر منظور قاچاق کالا است (مهدوی پور، ۱۳۰، ۹۰).

هرچند معنای غالب واژه قاچاق ناظر به عبور کالاهای مختلف از مرز است ولی همواره در نظام تقنینی ایران، قاچاق گسترده‌تر از معنا و مفهوم فعلی آن بوده است. به نحوی که عدم پرداخت عوارض و مالیات و یا نقض انحصارات وضع شده توسط دولت‌های حاکم و یا

حکام محلی، قاچاق تلقی می‌گردید. به‌عنوان مثال در قانون انحصار نمک مصوب ۱۳۲۸ ه.ق (۱۲۸۸ ه. ش) تخلف از انحصار استخراج و فروش نمک قاچاق دانسته شده است. یا مقررات موضوع قانون راجع به قاچاق عوارض بلدی مصوب ۱۳۱۱ به‌ویژه ماده ۱ و ۲ آنکه عدم پرداخت عوارض بلدی و قپانداری را مشمول قوانین مربوط به قاچاق اموال موضوع عایدات دولت دانسته بود.

در مقررات فعلی نیز ای سیاست توسط قانون‌گذار دنبال شده است از جمله، تبصره ماده ۱۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۷۸، عرضه کالاهای مشمول مالیات بدون رعایت مقررات و ضوابط قانونی را، کالای قاچاق محسوب و مشمول قوانین و مقررات مربوط دانسته است. از این قبیل است، قاچاق تلقی شدن حمل و نقل چوب، هیزم و زغال مستحصه از درختان جنگلی^۱ و همچنین صید، عمل‌آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل و نگهداری خاویار و ماهیان خاویاری (ماده ۲۶ ق.م.ق.ک.ا.)^۲

تعریف اصطلاحی قاچاق در واقع از تعریف لغوی نشأت گیرد، لیکن تعریف لغوی صرفاً قاچاق و آنکه عنصر نقل و انتقال ورود و خروج از مرز شرط اساسی آن است را شامل می‌شود. در اصطلاح حقوقی قاچاق علاوه بر این، موارد دیگری را بنا به تصریح قانون‌گذار شامل می‌شود مثلاً بر اساس ماده یک قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸، ولید و فروش و استفاده در ملأعام از این نوع لباس‌ها در حکم قاچاق محسوب شده است.^۳ تمامی این موارد فاقد عنصر ورود یا خروج از مرز می‌باشد و به حکم قانون قاچاق محسوب شده‌اند. از طرفی ارائه تعریف جامع برای قاچاق نیازمند بیان تعریف گمرک و مسائل مربوط به آن است چراکه بزه قاچاق زاییده وضع مقررات گمرکی و تشکیل گمرک است. لذا بدین ترتیب

۱. رجوع کنید: ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۸.

۲. بعضاً در بیان تعریف قاچاق در مورد رویه فعلی قانون‌گذار به موضوع ساخت دارو، تجهیزات پزشکی، مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی موضوع تبصره ۱ ماده ۲۷ مبارزه با قاچاق کالا و ارز همچنین ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره موضوع تبصره ۴ ماده ۲۲ این قانون استناد کرده‌اند که به نظر می‌رسد در خصوص این موارد نظر قانون‌گذار صرفاً در مورد مشمول مجازات‌ها و احکام قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر این موارد بوده است.

۳. ماده ۱: کسانی که عالماً لباس‌ها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملأعام و انظار عمومی از آن‌ها استفاده نمایند، مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیاء مذکور، در حکم قاچاق محسوب می‌شود ...».

ناگزیر از تعریف گمرک هستیم. بنا به تعریف شورای همکاری گمرکی «گمرک سازمانی است دولتی که مسؤول اجرا قانون گمرک وصول حقوق و عوارض ورودی و صدوری و همچنین واردات، ترانزیت و صادرات کالا می‌باشد».

در اصطلاح گمرک و سایر دستگاه‌های وصولی دولت منظور از قاچاق گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است و یا فراری دادن از شمول مقررات دولتی و نقل و انتقال و خرید و فروش آن به‌طور غیرمجاز و ممنوع. طبق این تعریف انواع قاچاق متفاوت است: از قبیل قاچاق کالای موضوع درآمد دولت، قاچاق کالای ممنوع‌الورود و ممنوع‌الصدور قاچاق زر و سیم و اسلحه و دخانیات، مواد مخدر، قاچاق ارز^۱.

ملاحظه می‌گردد در تعاریف ارائه شده، هرچند عمدتاً به عنصر نقل و انتقال ورود و خروج از مرز استناد گردید ولیکن با توجه به موارد مندرج در برخی از قوانین، مصادیقی که فاقد این ویژگی هستند، از جمله خرید، فروش، حمل و نقل و نگهداری کالاهای قاچاق و به‌ویژه مواردی که اساساً فاقد عنصر خارجی هستند نیز به‌عنوان قاچاق مورد خطاب قانون‌گذار، لغوین، سازمان‌های بین‌المللی و بعضی از حقوق‌دانان قرار گرفته است.

بنابراین چنانچه بیان شد، تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳، قاچاق کالا و ارز در قوانین و مقررات جزایی ایران و دیگر قوانین مرتبط، تعریف نشده بود، قانون‌گذار در قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ که کامل‌ترین متن قانونی راجع به مقررات مربوط به قاچاق بوده، همچنین در قوانین قبل و بعد از آن از جمله قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام که آخرین قانون تصویبی قبل از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است، بدون ارائه تعریفی از قاچاق و بیان وجه تمایز آن از دیگر جرایم، ارتکاب دسته‌ای مشخص از اعمال مجرمانه را قاچاق تلقی کرده و درواقع، فعل قاچاق را با مشخص کردن مصادیق آن معرفی کرده است.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در یکی از اساسی‌ترین نوآوری‌های خود به‌قصد پایان دادن به این ابهامات در بند الف ماده ۱ قاچاق کالا و ارز را این‌چنین تعریف کرده است:

۱. برای مطالعه بیشتر مراجع شود به: حوزه معاونت طرح و برنامه «آموزش» قاچاق و تخلفات گمرکی، نشریه شماره ۵، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات امور گمرکی، ص ۶۸.

«قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود».

۲-۲: تحلیل تعریف قانونی قاچاق کالا و ارز:

برخی محققین تعریف بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را واجد ایراداتی برشمرده و معتقدند این تعریف مستلزم دور بوده، چراکه؛ مطابق این تعریف، قاچاق هر فعل یا ترک فعلی است که در این قانون یا سایر قوانین قاچاق دانسته شده باشد. افزون بر این، ایراد دیگری که به این تعریف وارد دانسته شده، عبارت است از این که برخی مصادیق مجرمانه قابل تعقیب در مراجع قضایی و یا تعزیرات حکومتی نبوده و صرفاً در صورت وقوع این موارد، موضوع مشمول جریمه‌های انضباطی است که توسط گمرک اعمال می‌شود (الهام و غیره، ۱۳۹۳، ۵۸).

همان‌گونه که پیش از این بیان شد تا قبل از سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار هیچ‌گاه به ارائه تعریف جامع از بزه قاچاق نپرداخته بود، تا این که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با آسیب‌شناسی حقوقی و قضایی و ملاحظه‌ی آراء متناقض بی‌شماری که اطلاق عنوان قاچاق بر کالاهای مکشوفه‌ی در داخل کشور را منتفی می‌دانست (که بخش قابل توجهی از آن ناشی از برداشت‌های قضات از رأی وحدت رویه شماره ۶۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ دیوان عالی کشور بود)^۱، درصدد برآمد تا به این از هم گسیختگی حقوقی پایان دهد.

قبل از تحلیل تعریف بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باید توجه داشت، آنچه که قانون‌گذار در تعاریف قانونی از پدیده‌های حقوقی ارائه می‌دهد، عمدتاً شرح‌الاسم پدیده‌های مزبور بوده و بالتبع فاقد اوصاف و الزامات تعاریف منطقی یعنی جنس و فصل است. بنابراین در تفسیر تعاریف قانونی علاوه بر نص قانونی باید رویکرد کلی حاکم بر قانون مورد بحث و سابقه قانون‌گذاری به‌ویژه مشروح مذاکرات نمایندگان را نیز مدنظر قرار داد.

۱. به موجب رأی موصوف کشف کالا در مبادی ورودی شرط ضروری برای تحقق قاچاق دانسته شده بود. علاوه بر این، دارا بودن جنبه‌ی تجاری کالا (خارج از حدود مصرف شخصی بودن) و نهایتاً عدم وفور امثال و نظایر آن کالا در بازار داخلی از دیگر شروط تحقق قاچاق محسوب گردیده بود.

با توجه به مشکلاتی عدیده‌ای که به لحاظ نبود تعریف قاچاق خصوصاً برای محاکم رسیدگی کننده پیش آمده بود، این اقدام قانون گذار درخور تحسین است. قانون گذار با این تعریف (بند الف ماده ۱ ق.م.ق.ک.ا) اهدافی را دنبال می کرده است. روند قانون گذاری و رویه قضایی در موضوعات مرتبط با قاچاق کالا و ارز در سال های پس از انقلاب و به ویژه از دهه ۸۰ به بعد مؤید این است که هدف اصلی قانون گذار، حمایت قضایی از حقوق دولت و دیگر ذی نفعان از جمله تولیدکنندگان، واردکنندگان، سرمایه گذران، و ... در مقابل: ورود غیرقانونی کالا و عرضه آن در داخل کشور بوده است. قانون گذار که در برخی قوانین موقتی این روبه را پیش گرفته بود برای اولین به موجب قسمت اخیر ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی و پس از آن به موجب بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قصد توسعه دایره شمول قاچاق را اراده کرده بود. این تعریف از سه جزء اصلی و یک امر تأکیدی تشکیل می شود.

الف. هر فعل یا ترک فعل: علت عدم استفاده از کلمه رفتار آن گونه که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آمده، لزوم ارتکاب فعل فیزیکی برای تحقق عنصر مادی قاچاق است. زیرا امکان تحقق رکن مادی قاچاق با رفتاری همانند ایماء و اشاره یا تکان دادن دست یا آبرو یا با گفتار وجود ندارد، لذا قانون گذار ترجیح داد از واژه قدیمی فعل و ترک فعل که منحصر در رفتارهای فیزیکی است، استفاده نماید.

ب. نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج: تشریفات قانونی در بند ت همین ماده تعریف شده است. تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج در واقع همان تشریفات گمرکی است.

ج. تعیین آن رفتار (فعل یا ترک فعل) به عنوان مصداق قاچاق در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا سایر قوانین و تعیین مجازات برای آن: بر این اساس شرط قاچاق محسوب شدن هر فعل یا ترک فعلی، احصاء آن به عنوان قاچاق به موجب قانون و به علاوه تعیین مجازات برای آن است.

امر تأکیدی قانون گذار که در ادامه این بند ذکر شده است عبارت "در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود" است. علت تلقی این عبارت به عنوان امر تأکیدی این است که اصلاً همین به کالایی با نقض تشریفات

وارد کشور شده واجد وصف قاچاق قرار گرفته ورود آن به داخل کشور، موجب تطهیر آن نخواهد شد. لذا چون معیار و ملاک موردنظر قانون گذار نقض تشریفات است از این منظر نیازی به اضافه نمودن این عبارت نبود. از طرفی با توجه به اینکه رفتار مرتکبین مبنی بر حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالا و ارز در داخل کشور به موجب مواد ۲ و ۱۸ مکرر به عنوان مصداق قاچاق احصاء گردید از این جهت نیز نیازی به تکرار مجدد این عبارت نبوده است. لیکن قانون گذار نه تنها به این بسنده نکرده، بلکه به جهت آسیب‌های فراوانی که از جهت روشن نبودن واجد ابهام بودن این موضوع، متوجه روند قانونی مبارزه و قاطعیت در برخورد با تمام افعال و رفتارهای مربوط به تسهیل توزیع کالا و ارز قاچاق، شده بود، صرف نظر از قیودی که در صدر تعریف بیان داشته در عبارت ۱ ر این بند، موضوع را به نحو کاملاً واضح، مورد خطاب و تأکید مؤکد و مکرر قرار داده است. "هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی."

اینجا است که هدف قانون گذار از شمول تعریف برای ن موضوع، کاملاً روشن و قابل استدلال خواهد بود.

با این وجود به نظر می‌رسد قانون گذار در انتخاب "عبارت‌ها" برای بیان هدف خود از قاچاق تلقی شدن تمامی رفتارهایی که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بزه‌انگاری و مشمول مجازات‌های قاچاق کالا و ارز قرار داده، موفق عمل نکرده است.

لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که هم‌اینک مراحل نهایی تصویب خود را در کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی طی می‌کند، با تصریح به این که رفتارهایی همانند حمل، نگهداری و... از حیث صلاحیت تابع اصل قاچاق می‌باشند تا حدودی به این تشتت حقوقی خاتمه خواهد داد، اگرچه نقص تعریف قاچاق، نیازمند ارائه یک معیار علمی و مبتنی بر واقعیت‌های موجود است.

۳- پیشگیری از جرم و بزه‌کاری و انواع آن

تاکنون در زمینه دسته‌بندی پیشگیری از جرم، گونه‌های متعددی از سوی جرم شناسان مطرح شده است. به طور مثال، شماری از جرم شناسان با الهام از دانش پزشکی، الگوی سه گانه پیشگیری یعنی: نخستین، دومین و سومین از بزه‌کاری را بیان کرده‌اند و برخی دیگر تقسیم بندی پیشگیری از بزه‌کاری را به دو گونه کنشی و واکنشی ارائه کرده

اند که امروزه تقسیم بندی اخیر بیشتر مد نظر جرم شناسان است (نیازیور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). انواع دیگری از پیشگیری نیز وجود دارد و به هر حال، این متنوع بودن روش‌های پیشگیری بیانگر آن است که بزه‌کاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در استراتژی‌ها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (نجفی ابرندآبادی، شماره ۱۲۵، ۲۰).

۱-۳: پیشگیری اولیه یا نخستین^۱

پیشگیری نخستین یعنی مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه زمینه‌های ارتکاب جرم که در چارچوب توسعه اجتماعی قرار می‌گیرند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۵۰ و ۱۴۹). در این مرحله از پیشگیری، تلاش بر این است که افراد به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند. هدف در این سطح از پیشگیری، بهبود شرایط زندگی به منظور عدم مجرم شدن افراد و همچنین تولید ارزش‌هایی است که روابط سالم را بهبود بخشد. در پیشگیری اولیه، بیشتر توجه به رویداد جرم معطوف است تا مجرم تحریک شده. این رویکرد به نظریه شیوه زندگی هیندل لانگ نیز ارتباط داده شده است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵).

۲-۳: پیشگیری ثانویه یا دومین^۲

پیشگیری دومین یعنی به کارگیری شیوه‌هایی برای حمایت از افراد در آستانه خطر. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۵۰ و ۱۴۹). در این نوع پیشگیری، هدف آن است که با به کارگیری تدابیر مناسب و زود هنگام، از وقوع جرم توسط افرادی که در شرایط بحرانی به می‌برند و احتمال بزه‌کاری از سوی آن‌ها وجود دارد پیشگیری شود.

۳-۳: پیشگیری ثالث یا سومین^۳

این نوع پیشگیری شامل برنامه‌هایی از قبیل: مشاوره، مداخلات کیفری و گروه‌های

-
1. Primary Prevention
 2. Secondary Prevention
 3. Thertiary Prevention

گوناگون می‌باشد. تلاش‌های پیشگیرانه در این مرحله برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان اصلاح و با محیط اجتماعی خود سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند. پیشگیری سومین در نتیجه عملیات شناسایی و تشخیص یا عملیات پلیسی برای دستگیری مجرم، زندانی شدن مجرم یا محکومیت و اصلاح رفتاری زندانی به کار می‌رود. این تقسیم‌بندی توسط کاپلان صورت گرفته است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵).

۳-۴: پیشگیری کوتاه مدت یا خُرد^۱

پیشگیری کوتاه مدت به مجموعه راه کارهایی گفته می‌شود که در مدت زمان کمتری انجام می‌شوند. مانند: فراهم کردن روشنایی بیشتر خیابان‌ها، کوچه‌ها و اماکن عمومی، تدوین قوانین جزایی متناسب و بازدارنده، ایجاد مؤسسات مددکاری، فراهم کردن فضاهای مناسب برای گذراندن اوقات فراغت، حمایت از کودکانی که مورد اذیت و آزار و بد رفتاری خانواده قرار می‌گیرند، بستن محله‌ها و اماکن جرم‌زا، ممانعت از پخش برنامه‌های خشونت‌زا در تلویزیون و مجهز کردن پلیس و نیروهای انتظامی، تا فرصت‌های وقوع انحراف یا جرم را کاهش دهد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۲۸۵ و ۲۸۴). در برخورد با مسائل اجتماعی و فرهنگی نمی‌توان به خاطر برنامه‌ریزی‌های اصولی و دراز مدت، از اقدامات پیشگیرانه مقطعی و کوتاه مدت غافل ماند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷). این پیشگیری شامل «پیشگیری اجتماع مدار» یا «پیشگیری اجتماعی» و «پیشگیری زودرس» است (عباچی، ۱۳۸۳: ۵۸).

۳-۵: پیشگیری اجتماعی^۲

این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزه‌کاری است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). به اعتقاد گسن، این نوع پیشگیری به این دلیل پیشگیری اجتماعی گفته

1. Short Term Prevention

2. Social Prevention

می‌شود که حاصل تجربیات پیشگیری مددکاران اجتماعی بدون مداخله بحث‌های پلیس و دادگستری و معطوف به مبارزه ناسازگاری محیط رشد آنان است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۰۱). یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است؛ و اصولاً برای تغییر شرایطی که به وقوع بزه‌کاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی شده است. تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها برای تفریح، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی (عباچی، ۱۳۸۳: ۶۱ و ۶۰)، گسترش تجهیزات و تدابیری چون باشگاه‌های ورزشی جوانان و پروژه تنی بر فعالیت‌ها در جهت منصرف کردن مجرمان بالفعل و بالقوه از خطاهای آینده (هیوز، ۱۳۸۰: ۳۰) از مصادیق این نوع پیشگیری می‌باشد. هدف دیگر در پیشگیری اجتماعی، هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی بوده و محور اقدامات این پیشگیری نیز «فرد» می‌باشد. به بیان دیگر، پیشگیری اجتماعی همانند پیشگیری کیفری، مجرم مدار و فرد مدار است و از طریق: آموزش، ترغیب، تربیت و تنبیه درصدد آن است تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت ارزش‌یابی عملکرد خویش را به او بدهد. نکته اساسی در این مدل از پیشگیری عبارت است از: تخصص، اندیشه و تلاش مضاعف؛ زیرا به دلیل گستردگی و پیچیدگی موضوع ممکن است با وجود سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و کلان، نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نشود. پیروان این نوع پیشگیری بر این عقیده‌اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم اعم از: فردی و اجتماعی و برطرف کردن آن‌ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل: درمان بیماری‌ها و نارسایی‌های جسمی و روحی و بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و تقویت نهادهای اجتماعی و تعالی فرصت‌های اقتصادی، تحصیلی، تفریحی، مسکن و غیره می‌توان از تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۸ و ۴۷). در حقیقت پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌هایی است که مهار عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جرم را به دنبال دارد؛ و از آن جا که علاوه بر محیط اجتماعی، بر فرد و انگیزه‌های او نیز تأثیر می‌گذارد؛ برخی به آن «پیشگیری فردمدار^۱» نیز می‌گویند. یکی دیگر از اهداف پیشگیری اجتماعی، تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های

در آستانه خطر، به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا کردن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست‌اندرکاران این نوع پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هر چه بیشتر افراد از نظام کیفری است. به طور کلی، پیشگیری اجتماعی تلاشی برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم است و تدابیری را دربرمی‌گیرد که بر زمینه‌های ارتکاب جرم از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثرند. به همین سبب، پیشگیری اجتماعی بهترین توصیف از پیشگیری نخستین به شمار می‌رود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۴۹ و ۱۴۸).

۳-۶: پیشگیری بلند مدت یا کلان^۱

پیشگیری بلند مدت به ساز و کارهایی گفته می‌شود که در یک فرآیند زمانی مدت دار صورت می‌گیرد تا در آینده فرصت‌های وقوع جرم را کاهش دهد. از قبیل: فراهم کردن بسترهای مناسب برای دسترسی افراد به موقعیت‌های مناسب آموزش و پرورش، تدوین و اجرای سیاست‌های کلی برای ایجاد اشتغال اعضای جامعه، تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده برای بالا بردن مهارت‌های زندگی، تقویت نقش پیشگیرانه مدارس از طریق ارتقای محتوا و کیفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی، تلاش برای کاهش شکاف اقتصادی در بین اقشار مختلف جامعه و دستیابی به عدالت اجتماعی (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۲۸۵ و ۲۸۴). کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی برای پیشگیری از جرایم گوناگون از قبیل: سرقت، مزاحمت‌های خیابانی، شرارت و کلاه‌برداری لازم است از این نوع برنامه‌ریزی‌ها بهره‌برداری کنند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸). این پیشگیری برای حذف و یا خنثی کردن عوامل جرم‌زا، ناظر به سیاست‌هایی است که به صورت ساختار - فرآیند و با تمرکز بر عوامل فردی و عمومی بزه‌کاری در سطح وسیع و فراگیر اتخاذ می‌شوند و شامل سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی است (عباچی، ۱۳۸۳: ۵۸).

۳-۷: پیشگیری انفعالی^۲

-
1. High Term Prevention
 2. Shame Prevention

در پیشگیری انفعالی، برخی از اقدامات معمول و رایج پیشگیرانه، از نوع هشدار و بازدارنده مانند هشدارهای پلیسی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در یک انتظار انفعالی برای تأثیر این اقدامات باقی می‌مانند. در این نوع از پیشگیری، عوامل اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) هیچ تأثیری ندارند و در این بین، کوچک‌ترین نقشی از خود ایفا نمی‌کنند. نقش نهادهای بازدارنده از جرایم مثل: پلیس و مراجع قضایی نیز در این میان بسیار کم رنگ است.

۳-۸: پیشگیری فعال^۱

در این نوع از پیشگیری، نیروی پلیس محور اصلی پیشگیری است که برای اجتناب و دوری از وقوع جرایم وارد عمل می‌شود و در سطح اجتماعی نیز فعال است. یعنی پلیس برنامه‌ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را به عهده می‌گیرد که در معرض جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی قرار دارند. در این میان، نقش نهادهای بازدارنده از جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی قرار دارند. در این میان، نقش نهادهای بازدارنده از جرم نیز بسیار مشهود است. در پیشگیری فعال، برنامه‌ریزی‌های بلند مدت برای جلوگیری از بزه‌کاری و کاهش آن مدنظر قرار دارد. مسئولان دولتی نیز هر یک به فراخور وظیفه اجتماعی خود، نقش عمده‌ای دارند و اقدام‌های مستقلى را انجام می‌دهند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹ و ۲۸).

۳-۹: پیشگیری کنشی یا غیر کیفری^۲

پیشگیری غیر کیفری عبارت است از: «جلوگیری از به فعل در آمدن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد». به عبارتی دیگر، پیشگیری غیر کیفری درصدد است تا عوامل و ریشه‌های زمینه ساز بروز جرایم و بزه‌کاری را از راه توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد؛ به طوری که انسان‌هایی پرورش یابند که از جرم به دور باشند. در این نوع پیشگیری، توجه به عواملی محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که باعث سوق دادن فرد به سوی بزه‌کاری می‌شوند دارای

1. Active Prevention

2. Non Penal Prevention

اهمیت فراوان است. پیشگیری غیر کیفری، در حقیقت درمان ریشه‌ای قبل از وقوع جرم است؛ که در آن راه کارها خارج از چارچوب دستگاه عدالت مورد بررسی قرار می‌گیرند. این پیشگیری که در مقابل پیشگیری کیفری قرار دارد را گاهی «پیشگیری جدید» نیز می‌نامند. این پیشگیری، مصداق ضرب المثل معروف: «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد»، می‌باشد (همان، ۴۱ و ۴۰). در واقع، پیشگیری کنشی یا غیرکیفری اقدام مناسب غیرکیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن عوامل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم درصدد جلوگیری از وقوع بزه و جرم می‌باشد. بنابراین ویژگی‌های پیشگیری کنشی عبارتند از:

- اثرگذاری علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزه‌کاری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛
- جمعی بودن؛ به این معنا که تمام جمعیت یا گروه معینی را هدف قرار دهد
- عدم قهرآمیز بودن و سزا دهی اقدامات.

به این ترتیب، پیشگیری غیرکیفری شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی کردن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف و یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا است (عباچی، ۱۳۸۳: ۵۷ و ۵۶). پیشگیری کنشی که از حیث ماهوی اقدامی پیشینی است با مداخله در فرآیند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه اعمال می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰).

۱۰-۳: پیشگیری واکنشی یا کیفری^۱

پیشگیری واکنشی که از نظر مانوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزه‌کار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود. پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزه‌کاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزه‌کار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزه‌کاری دوباره افراد است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). به طور کلی، پیشگیری واکنشی یا کیفری، ناظر

به اقدام کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره گرفتن از ساز و کارهای نظام عدالت کیفری درصد کاهش نرخ بزه کاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارباب انگیزی فردی، جمعی و عبرت آموزی می باشد تا از بزه کاری نخستین و بزه کاری دوباره افراد جلوگیری کند (عباچی، ۱۳۸۳: ۶۳). این نوع پیشگیری اگر چه به تنهایی پاسخگوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نمی باشد، اما با ادغام در زمینه های پیشگیرانه غیر کیفری از جرم و استفاده از هر دو عنصر در کنار هم می توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم کرد. پیشگیری کیفری از این جهت که دارای مضرات و معایب بسیاری است و برجسم و روان مجرمان تأثیرگذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می کند، باید به عنوان آخرین چاره علیه بزه کاری مورد استفاده قرار گیرد. در مجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مد نظر است عبارتند از: اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه، ارباب بزهکار و پیشگیری عمومی با ارباب دیگران.

۱۱-۳: پیشگیری قضایی^۱

پیشگیری قضایی یکی از انواع پیشگیری است که مبتنی بر تلاش دولت و نهادهای مسئول در زمینه کاهش جرایم و از میان بردن ریشه های آن می باشد. این سیاست از آن جهت در قالب پیشگیری قضایی بررسی می شود که دستگاه حاکم یا دولت به عنوان اولین نهاد در مقابل جرم و بزهکار قرار می گیرد و از طریق اعمال قانون و سیاست های تقنینی در مقابل بزهکار، به اصلاح وی می پردازد. در سیاست تقنینی، یکی از راه کارهای پیشگیری از جرم، جرم انگاری است. این روش عبارت است از: «فرآیندی که طی آن اعمالی را که در تضاد با منافع خود می بیند، ممنوع اعلام کرده و مجازات هایی را برای آن در نظر می گیرد». اما این ایجاد محدودیت در زندگی افراد نباید بدون ضابطه و خارج از اهداف و مصلحت اجتماعی باشد. استفاده از پیشگیری قضایی در راستای کاهش جرایم یکی از عناصر مهم در نظام کیفری می باشد که وجود آن در نظام کیفری امری لازم و ضروری است؛ زیرا پیشگیری قضایی در دستگاه اجرایی و قانونی باعث ارباب و وحشت مجرمان به خصوص مجرمان بالقوه می شود و تا حد زیادی از ارتکاب جرم و تکرار جرایم جلوگیری می کند. تدوین لوایح مناسب در راستای تصحیح سیاست جنایی و اصلاح قوانین با نگرش عالمانه و ناشی از آموزش های دینی مانند: بزه پوشی، جرم زدایی،

1. Judicial Prevention

کیفرزدایی و معایب کیفرها به منظور تدوین حقوقی می‌تواند بخشی از اقدامات دستگاه قضایی را در راستای پیشگیری از جرم و بزه شامل شود.

۱۲-۳: پیشگیری انتظامی^۱

وجود نقاط ضعف و تزلزل در هر جامعه‌ای، احساس امنیت خاطر را از سوی مردم خدشه‌دار می‌سازد. از آن جایی که گروهی از افراد ناسالم جامعه، رفتاری خلاف روال عادی و در تعارض با ارزش‌های اجتماعی دارند و به فراخور اندیشه و نیت خود، شرایط ضعف، تزلزل و بی‌باتی در بخش‌هایی از جامعه را فراهم می‌آورند، به همین دلیل به منظور جلوگیری از ناامنی و همچنین افزایش ضریب امنیت اجتماعی، دولت‌ها و نهادهای مسئول درصدد کنترل و کاهش جرایم از طریق اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرایم برآمدند. پلیس و دستگاه انتظامی یکی از متولیان در راستای امنیت عمومی است که عمده وظیفه آن پیشگیری انتظامی می‌باشد. پیشگیری انتظامی عبارت است از: «مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی نظیر: افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون. همچنین، بررسی روند بزهکاری و علل وقوع آن به منظور اتخاذ تدابیر مقابله با مجرم و انجام اقدامات فوری در امر مبارزه با بزهکاری و جرایم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرایم». پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. در پیشگیری انتظامی، دولت و نهادهای مسئول مهم‌ترین نقش را در برقراری و حفظ امنیت دارند و حوزه کاری آن‌ها در چارچوب قانون است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۰).

۱۳-۳: پیشگیری عام^۲

پیشگیری از بزهکاری در معنای عام شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، هر اقدام واکنشی (کیفری) یا کنشی (غیرکیفری) مطابق این تعریف در گستره پیشگیری از بزهکاری قرار می‌گیرد (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). پیشگیری عام، پیشگیری جرم مدارانه است و محور آن بر نقش

1. Disciplinary Prevention

2. Common Prevention

بازدارندگی، ارباب انگیزی و عبرت‌آموزی کیفری بر عموم مردم استوار می‌باشد. در این نوع پیشگیری تلاش می‌شود تا با وضع قوانین، تعیین کیفر و اجرای آن در مورد مجرمان، از ارتکاب اولیه جرایم توسط افراد جامعه جلوگیری شود. در پیشگیری عام، ایجاد ترس و ارباب، تهدید و کیفر و نگرانی از دست دادن اعتبار برای همه کسانی که به صورت بالقوه آمادگی ارتکاب جرم دارند مطرح می‌باشد. این سطح از پیشگیری، عموم افراد جامعه را افرادی در نظر می‌گیرد که به صورت بالقوه آمادگی برای ارتکاب جرم دارند؛ بنابراین ووشش می‌شود تا از طریق آرایه آگاهی عمومی از ارتکاب جرم در افراد جلوگیری شود.

۱۴-۳: پیشگیری خاص^۱

اثری که مجازات در بازدارندگی مجرم از دست زدن مجدد به ارتکاب جرم دارد، پیشگیری خاص نامیده می‌شود. در این نوع پیشگیری سعی می‌شود با تحمیل مجازات بر مجرم و تنبیه او و رنج و سختی حاصل از مجازات، از ارتکاب مجدد همان جرم یا جرایم دیگر اجتناب شود. بنابراین جلوگیری از تکرار جرم و ایجاد ترس در کسانی که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند، مهم‌ترین هدف پیشگیری خاص می‌باشد که در قالب اقداماتی برای تربیت، اصلاح و بازسازی مجرمان صورت می‌گیرد. این نوع پیشگیری معمولاً در کوتاه مدت مثل: مبارزه با اعتیاد و جمع‌آوری کودکان بدون سرپرست از سطح خیابان‌ها مفید است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹). بنابراین پیشگیری خاص در برگیرنده «مجموعه تدابیر و اقدام کنشی با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و تأثیرگذاری بر فرصت‌های پیش‌جنائی است؛ به گونه‌ای که بتوان با استفاده از ساز و کارهای کنشی، بر شخصیت افراد و موقعیت‌های پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذاشت» (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰).

۱۵-۳: پیشگیری وضعی^۲

پیشگیری وضعی در برگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش‌جنایی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند (چاله چاله، ۱۳۸۷: ۶).

1. Special Prevention

2. Situational Prevention

راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی نیز بر حفاظت از بزه‌دیدگان تمرکز یافته است (میر خلیلی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). پیشگیری وضعی به عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزهکاری نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط کلارک، کورنیش و هی هیور مطرح شد. آنان در آثار خود همواره به اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات لازم به منظور کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که موجب رفتار بزهکارانه می‌شود و همچنین تغییر رابطه بین بزهکار و بزه‌دیده تأکید کرده‌اند (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۰ و ۹۹). این روش، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی و یا تغییر شرایط محیطی مانند: زمان و مکان در صدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند. در این روش، گاهی فرد در معرض بزه‌دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آن چه در معرض وقوع جرم است، از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از: مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌شود (رهامی و حیدری، ۱۳۸۴: ۱۹۷). پیشگیری وضعی شامل: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل: تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب ناپذیر بوده و یا رفع آن‌ها هزینه قابل تحملی را تحمیل می‌کند، می‌باشد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آن‌ها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم، با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه شدن اعمال مجرمانه می‌شود، همراه است. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آنها، به دنبال خنثی سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید. بنابراین پیش بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم»

نیز نام می‌برند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳ و ۴۲). به نظر می‌رسد در جرایم جنسی، پیشگیری وضعی مؤثرتر باشد؛ چرا که در این دسته از جرایم اولاً بالا بردن ضریب ایمنی بزه دیده بسیار آسان‌تر از منصرف کردن بزه‌کار از ارتکاب جرم است که تحت تأثیر امیال و غرایز درونی طبیعی کنترل نشده اقدام به تجاوز جنسی می‌کند، ثانیاً به خاطر تبعات بسیار منفی این جرم بر روحیه و روان بزه‌دیده و نگرانی بزه‌دیدگان بالقوه به ویژه زنان از این موضوع، می‌توان به شکل فعال‌تری از بزه‌دیده احتمالی برای پیشگیری کمک گرفت (حداد زاده نیری، ۱۳۸۸: ۳۹).

۱۶-۳: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱

اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (Cpted)، خصوصیات فیزیکی محیط ساخته شده را که مناسب جرم هستند (پیز، ۱۳۸۳: ۱۳۸) مورد توجه قرار می‌دهد و بر این اصل استوار است که طراحی و نوع محیطی فیزیکی پیرامون انسان بر رفتار وی تأثیر مستقیم می‌گذارد و رفتار انسان نیز به دنبال آن بر موقعیت‌های جرم‌زا و ترس از جرم اثر می‌گذارد و کیفیت زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین با استفاده از (Cpted) می‌توان ارتباط بین محیط پیرامون و فرصت ارتکاب جرم را درک کرد و فرصت‌های ارتکاب جرم را از طریق طراحی محیط مناسب و اتخاذ تصمیم‌های صحیح مربوط به طراحی محیطی کاهش داد (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۱۹). این رویکرد نیز همانند رویکرد پلیس جامعه محور، حل مسئله و اساس پیشگیری از وقوع جرم را از طریق همکاری تنگاتنگ با شهروندان می‌داند. (Cpted) مستلزم به خدمت گرفتن نیروی کار و صرف هزینه گزاف برای پیشگیری از وقوع جرم نیست؛ بلکه در بطن آن راهبردهایی نهفته است که می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها محیط فیزیکی پیرامون خود را به گونه‌ای مدیریت کرد که ضمن افزایش کیفیت زندگی و احساس امنیت شهروندان، میزان وقوع جرم نیز کاهش اساسی پیدا کند. به طور کلی می‌توان گفت که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی برای ایجاد رفتار مطلوب، افزایش کارآمدی و کاهش بروز رفتارهای ضد اجتماعی و انجام اقدام‌های مقتضی برای از بین بردن خطر وقوع جرایم است (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶-۵). از دیگر آثار مثبت این رویکرد می‌توان به تقویت حس تعلق به محیط در ساکنان و حتی افزایش قیمت زمین و خانه اشاره کرد. این دیدگاه از لحاظ مبانی نظری تا

1. Crime Prevention Through Environment Design = Cpted

حدودی شبیه پیشگیری وضعی است؛ ولی قلمرو و کاربرد آن محدودتر است. این نظریه هدف و تمرکز خود را بر محیط ساخته شده و جرایم مرتبط با آن در مناطق مسکونی مانند: خرابکاری و سرقت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، فرصت رمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند. زیرا در معادله عقلانی مجرم، میزان تلاش و خطر ارتکاب جرم بیشتر از منافع حاصل از جرم خواهد بود. این دیدگاه نسبت به سایر انواع پیشگیری این مزیت را دارد که: «تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت افراد است». این نظریه توسط سی. ری. جفری^۱ در سال ۱۹۷۱ ابداع و تنظیم شده است (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۹-۳۴۷). در کشور انگلستان، این رویکرد منجر به این شده است که در نیروهای پلیس پست‌های تخصصی از افسران رابط به وجود آید که در زمینه طراحی ساختمان‌ها و اماکن عمومی به منظور کاهش کشش آن‌ها برای جرم و بی‌نظمی، مشاوره می‌دهند. یکی از انتقادات وارده به این نظریه این بوده که منازل، اماکن خرید، مدارس و نظایر آن‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اندکی تأمل می‌تواند نشان دهد که آن‌ها برای جرم مناسب هستند. اما این فکر هیچ وقت اظهار نشده تا وقتی کار از کار گذشته و جرم انجام شده است. معروف‌ترین شارح نوع طراحی ساختمان بر ارتکاب بزه، اسکار نیومن^۲ بود که عبارت «فضای قابل دفاع^۳ از وی کلید واژه‌ای است که این نوع تفکر به وسیله آن شناخته شده است (پیز، ۱۳۸۳: ۱۳۸). فضای قابل دفاع^۳ به مکان‌های باز، نقاط ورودی و مسیرهایی که برای ساکنان این امکان را فراهم می‌آورند تا از مکان زندگی خود در برابر متجاوزان و فعالیت‌های جرم خیز محافظت به عمل آورند گفته می‌شود (فتحی و ستاکه، ۱۳۸۷: ۱۸۰). در واقع فضای قابل دفاع یک نظریه طراحی می‌باشد که متأثر از سکونت انسان و تجربه کاربری است که از قسمت اعظم شیوه معماری روز عدول می‌کند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۰). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر ۶ رکن استوار است:

-
1. C.R. Jeffery
 2. Oskar Newman
 3. Defensible Space

الف- تعیین حدود قلمرو (قلمروگرایی):^۱

منظور از تعیین حدود قلمرو، توانایی برقراری اقتدار بر محیط و تعیین شخص مسئول در منطقه و کسانی که مجازند در آن حضور داشته باشند و آنهایی که اجازه حضور ندارند، می‌باشد. استفاده از روپوش‌های متحدالشکل یکی از مصادیق تعیین حدود قلمرو است که می‌توان با استفاده از آن، افراد بیگانه را مثلاً از دانش آموزان تشخیص داد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶-۵). شاید هیچ عامل محیطی به اندازه قلمروگرایی و نقض آن موجب خشونت انسانی در ابعاد وسیع نشده باشد. مبنای قلمروگرایی انسان ممکن است غریزی باشد؛ ولی ایجاد، مقدار و دفاع از قلمرو در هر فرهنگی متفاوت است. تحقیق درباره قلمرو و پرخاشگری نشان می‌دهد که قلمرویی که بد تعریف شده باشد پرخاشگری بیشتری را به دنبال خواهد داشت. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که تعدادی از سارقان برای ارزیابی میزان خطر سرقت از معیار قلمروگرایی استفاده می‌کنند.

ب- مراقبت یا نظارت طبیعی:

نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت، اگر چه در واقع نیز این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کم‌تر خواهد شد. زیرا وی در فرآیند گذار از اندیشه به عمل، منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محله به علت نظارت بالقوه و احتمال دخالت ساکنان و پلیس، خطر دستگیری بالا خواهد بود و در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. این نوع نظارت بر ۳ گونه است: غیر رسمی یا طبیعی از طریق پنجره‌ها، رسمی یا سازمان یافته از طریق نگهبانان یا محافظان امنیتی و مکانیکی از طریق روشنایی و دوربین مدار بسته (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۵۷-۳۵۵).

پ- کنترل طبیعی ورود:

کنترل طبیعی ورود عبارت است از: «قدرت محدود کردن ورود افراد غریبه و همچنین نحوه ورود آنها» (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶-۵). این کنترل شامل راهبردهای غیر رسمی یا طبیعی، رسمی یا سازمان یافته و مکانیکی می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد مناطقی که

1. Territorialism

دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، خانه‌هایی که در ابتدای محله یا کوچه واقع شده‌اند در مقایسه با خانه‌هایی که در داخل و مرکز کوچه قرار دارند بیشتر مورد سرقت قرار می‌گیرند. همچنین خانه‌هایی که دسترسی به آن‌ها آسان است نسبت به مناطقی که دسترسی به آن‌ها مانند کوچه‌های بن بست محدود است، میزان سرقت نیز بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت هرچه دسترسی راحت‌تر باشد، میزان جرم نیز بیشتر خواهد بود.

ت- تصویر و نگهداری از فضا:

امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان و محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از آن فضا داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد شد. این بخش با نظریه پنجره‌های شکسته ارتباط تنگاتنگ دارد. به این معنا که یک پنجره شکسته و تعمیر نشده نشانه‌ای از این است که هیچ کس نگران نیست و بنابراین شکستن پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه‌ای ندارد. یا اینکه اگر یک محله تمیز باشد و دیوار نویسی‌ها سریع پاک شود و خرابی‌ها سریع تعمیر شود، این تصور در ذهن ایجاد می‌شود که این محله، ملک بدن صاحب نیست.

ث- سخت کردن آماج جرم:

سخت کردن آماج جرم در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی در ساختمان است که موجب دور نگه داشتن مجرمان از ساختمان می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت سخت کردن آماج جرم به این معناست که آماج‌ها و اشیایی که معمولاً مورد تخریب یا سرقت قرار می‌گیرند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت در امان بمانند.

ج- فعالیتهای حمایتی و پشتیبانی:

ای فعالیتهای شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان در جهت استفاده و حضور بیشتر در فضاهای عمومی است. به عبارت دیگر، قرار گرفتن فعالیتهای ناامن در مکان‌های امن یعنی مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان. از طرف دیگر، فعالیتهای امن به مانند آهن ربایی عمل می‌کنند که موجب خواهند شد تا افراد یک

محلّه در یک جا دور هم جمع شده و ای مسئله موجب می‌شود تا حضور مجرمان کمتر شود (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۶۳-۳۶۰).

۴- ساز و کارهای پیشگیری از وقوع قاچاق کالا و ارز

مقابله با قاچاق کالا و ارز به عنوان یک پدیده بنیان کن اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی با در نظر گرفتن گستردگی مرزهای جغرافیایی کشور و وجود کشورهای همسایه تقریباً بی‌ثبات و وجود مبادی مختلف و راه‌های متنوع قاچاق، بیش از پیش دشوارتر شده است. با توجه به علوم جرم‌شناسی و روش‌های پیشگیری از جرم، نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا، باید مورد توجه واقع شود. در این رابطه تعدادی راه کار اجتماعی پیشگیرانه به اختصار عنوان می‌گردد:

۱- ۴: ارتقای سطح فرهنگ جامعه

در راستای مصرف کالاهای داخلی و اجتناب از تجمل‌گرایی فرهنگ و عرف حاکم بر جامعه برای پیشگیری مناسب و با برگشت پذیری کمتر از مهم‌ترین راه کارهای کاربردی در مقابله با این پدیده شوم است. پیشگیری اجتماعی یکی از گونه پیشگیری کنشی یا غیرکیفری است که با ایجاد اصلاحات و تغییرات در فرد و جامعه، به دنبال جلوگیری از ارتکاب جرم است. پیشگیری اجتماعی از دیدگاه برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی مجموعه اقداماتی است که فقط در ارتباط با فرد قرار می‌گیرد. برخی دیگر نیز هم فرد و هم عموم جامعه را مؤثر می‌دانند؛ به عبارتی پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی همچون: محیط‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که نسبت به همه مشترک است و تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است؛ با تأکید بر این که کلیه این محیط‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. پیشگیری اجتماعی از طریق کاهش انگیزه مجرمانه در پی جلوگیری از وقوع جرم می‌باشد که ممکن است ناشی از محیط اجتماعی، نظام سیاسی، وضعیت اقتصادی و معیشتی یک منطقه خاص باشد و باعث شود که تعداد کثیری از افراد آن منطقه به سوی ارتکاب یک جرم خاص تمایل پیدا کنند. (طالبیان و الیاسوند، ۱۳۹۳، ۱۶)

۲- ۴: توسعه اخلاق حرفه‌ای

رفتارهای انسانی متأثر نیازهای اوست. نیاز به ارزشمند شدن و شکوفایی از جمله

نیازهای اساسی هر فرد در جامعه است که به مصادیق ارزش‌های موجود در یک جامعه و نحوه ارزش گذاری برای انسان‌ها بستگی دارد. در جامعه‌ای که ملاک ارزشمندی افراد میزان ثروت و دارایی آن‌ها باشد، هرکسی ممکن است برای کسب موقعیت اجتماعی خویش دست به هر کاری - حتی غیرقانونی و بر خلاف قواعد و ضوابط اجتماعی بزند و بدین ترتیب زمینه بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه ایجاد شود. در مقابل، توجه بیشتر به موازین اخلاقی و انسانی می‌تواند جامعه را به سوی پویایی و پیشرفت سوق دهد (فراهانی، ۱۳۸۴، ۲۲). آموزش برنامه‌های اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به عنوان یکی از اهداف و برنامه‌های پیشگیری اجتماعی مطرح باشد و هدف از توسعه اخلاق حرفه‌ای، پیشگیری فرد مدار و یا جلوگیری فردی از وقوع جرم در حوزه قاچاق کالا می‌باشد.

با در نظر داشتن این واقعیت مبنی بر کمرنگ شدن مقررات رفتاری در برخی کارکنان که متأسفانه اصول رفتاری را فقط وظیفه مراجعین می‌دانند، ضرورت توجه به تدوین مقررات رفتاری و کنترل و نظارت بر اجرای دقیق آن مقررات، بالخصوص در مشاغل که بیشتر در معرض فساد مالی هستند، بیش از پیش احساس می‌شود. بایستی در دوره‌های آموزشی مختص به افزایش توسعه اخلاق حرفه‌ای کارکنان این عامل به صورت ویژه تقویت گردد تا بتواند با روح افراد عجین شده و به عنوان مانعی اساسی و بدون نظارت افراد به تکالیف و وظایف حرفه‌ای خود عمل نمایند.

از جمله مصادیق این عامل می‌توان به بیانیه شورای همکاری گمرکی در ارتباط با درست‌کاری در گمرکات و نقش حیاتی گمرکات در مقابله با قاچاق و تسهیل مبارزه قانون‌مند با آن اشاره کرد.

بر اساس این بیانیه، در یک برنامه ملی درست‌کاری گمرکی باید به عوامل اصلی زیر به طور ویژه توجه داشت:

۱- تقنین مقررات گمرکی دقیق و شفاف و تعدیل تعرفه‌های واردات، محدودسازی تعداد نرخ‌ها و کاهش مقررات اداری

۲- ایجاد رویه ی گمرکی ساده، متناسب و به سهولت قابل فهم

۳- خودکارسازی فعالیت‌های گمرکی و اجرای کامل مبادله الکترونیکی داده‌ها

- ۴- انجام اقداماتی مانند تفکیک راهبردی وظایف، گردش شغلی و اعمال بررسی‌های تصادفی در بین مستخدمین گمرکی (در موارد خاص) و جایگزینی و انتصاب منظم نیروها
- ۵- شناسایی نقاط ضعف در روش‌های کاری و درست‌کاری نیروها و اصلاح نقاط ضعف
- ۶- گسترش فضا و جو اداری مطلوب در راستای وفاداری، رضایت و خرسندی ناشی از انجام وظایف، همدلی و همکاری
- ۷- عدم اعمال نفوذ و رابطه‌گری فرایندهای واقع بینانه استخدام و ارتقای مستخدمین گمرکی
- ۸- تهیه نظامنامه رفتاری مستخدمین گمرک
- ۹- ارائه آموزش‌های مستمر شغلی و حرفه‌ای مناسب
- ۱۰- حقوق دریافتی مناسب کارکنان گمرک

۳-۴: تقویت و ارتقای سطح فرهنگ و ارزش‌های دینی

- مهم‌ترین عامل برای کاهش تخطی از هر قاعده و هنجاری اعم از این که مبنای آن عرف یا قانون باشد، درونی کردن و به مرحله باور رساندن آن در نزد افراد است که با تحقق این امر، مجموع تخلفات به حداقل خواهد رسید. اصولاً برای درونی کردن رفتارها، از راه اصلاحات فرهنگی و ارزش‌های دینی وارد می‌شوند. از جمله فرهنگ‌سازی در محورها:
- ۱- تقبیح فرهنگی و اجتماعی قانون‌گریزی و قانون ستیزی و فساد اداری با برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نهادهای فرهنگ ساز.
- ۲- فرهنگ‌سازی در جهت ثبت و ضبط کلیه فعالیت‌هایی که بار مالی دارند از سوی سازمان‌های دولتی با نفوذ در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۳- مقابله فرهنگی با فساد اداری در قالب ترویج و اشاعه فضایل اخلاقی موجود در فرهنگ اسلامی به منظور مناعت طبع، قناعت، پاسخ‌گویی، امر به معروف و نهی از منکر

و تقویت ارزش‌های اجتماعی همچون احساس روحیه مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌ناسی و نظم‌پذیری.

۴-۴: ارتقای آموزش عمومی و تقویت سطح آگاهی شهروندان

با توجه به نقش موثر جامعه و شهروندان در امر پیشگیری و مقابله با پدیده قبیح قاچاق می‌توان گفت اگر افراد جامعه نسبت به پدیده قاچاق و ویژگی‌های آن دارای آگاهی و شناخت کامل بوده و از آثار زیان بار تعاقبی آن مطلع باشند، بدون تردید در مقابله با آن می‌وشند؛ به طوری که هم از انجام قاچاق خودداری می‌نند و هم مانع ارتکاب آن توسط دیگران خواهند شد.

۴-۵: گزارش دهی مردمی

ایجاد پل‌های ارتباطی و ارتقای تعاملات مردمی به طوری که برای اعضای جامعه، توانایی (تواناساز) با ایجاد و فراهم کردن فضایی جهت ارتقای سطح همکاری‌های مردمی و افزایش پشتیبانی اعضای جامعه مدنی از برنامه و اقدامات دستگاه‌ها و سازمان‌های مبارزه‌کننده در این زمینه و ایجاد و برقراری سازوکارهای گزارش دهی و تضمین حمایت از اطلاع‌دهندگان فساد و جرایم اقتصادی با ترویج فرهنگ گزارش‌دهی جرایم اقتصادی و قاچاق توسط مردم، می‌توان نسبت به حاکمیت فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نیز امیدوار بود.

۴-۶: رفع محرومیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی کشور

بدون شک بیکاری از بزرگ‌ترین و فراگیرترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی جوامع حال حاضر در دنیا و با توجه به مهاجرت وارونه جمعیت مولد از روستا به شهر و افزایش جمعیت مصرف‌کننده شهری در سال‌های اخیر در کشور ما علی‌رغم تلاش‌های گسترده خدمت‌رسانی و آبادانی روستاها بعد از انقلاب اسلامی، بیکاری همراه با فقر اقتصادی، هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل خطرات بسیاری را متوجه جامعه و دولت می‌نماید. بررسی وضعیت استان‌های مرزی نشان می‌دهد که علیرغم اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر در راستای محرومیت‌زدایی، هنوز هم محرومیت‌های بسیاری وجود دارد؛ از یک طرف به علت خصوصیات جغرافیایی، آب و هوایی، نوع خاک و کمبود آب، زمینه‌ای برای اشتغال به کشاورزی وجود ندارد و از طرف دیگر بنا به دلایلی، فعالیت‌های صنعتی

نیز در آنجا گسترش نیافته است.

بنابراین کمبود زمینه‌های اشتغال و امکانات زندگی در این مناطق از عمده‌ترین علل گرایش مرزنشینان به ارتکاب جرم قاچاق است؛ لذا ضروری است به منظور رفع محرومیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی در راستای پیشگیری ریشه‌ای و از بین بردن عوامل سوق دهنده افراد به سمت ارتکاب قاچاق اقداماتی اساسی صورت پذیرد. (طالبیان و الیاسوند، ۱۳۹۳، ۱۹)

۷-۴: خصوصی سازی

خصوصی‌سازی مجموعه‌ای از اقداماتی است که در قالب آن در سطوح و زمینه‌های گوناگون کنترل و یا مالکیت و یا مدیریت از بخش دولتی خارج و به بخش خصوصی سپرده می‌شود.

خصوصی‌سازی یک روند گریزناپذیر برای خروج از بن‌بست تمرکزگرایی فسادآمیز بوده و حاکم کردن مکانیزم بازار بر تصمیم‌های اقتصادی و در نتیجه ایجاد فضای رقابتی برای نگاه‌های خصوصی، اندیشه اصلی در این تفکر می‌باشد. اغلب پژوهشگران و اقتصاددانان، از جریان خصوصی‌سازی به عنوان یکی از برنامه‌های اصلاحی پیشگیرانه و مقابله با فساد اقتصادی نام برده‌اند.

۸-۴: شفاف‌سازی قیمت‌ها و هدفمند کردن یارانه‌ها

تجدید نظر در نظام پرداخت یارانه‌ها و توزیع صحیح آن و تخصیص هدفمندانه آن به نیازمندان از طریق واقعی شدن قیمت‌ها در بازار داخلی از مهم‌ترین نکاتی است که دولت می‌تواند با تدابیری که باعث کاهش رفاه اجتماعی نشود و با استفاده از تجربه کشورهای دیگر در این زمینه، در دستور کار خود قراردادده و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی را هدایت نماید تا زمینه قاچاق اینگونه کالاها را از بین ببرند.

۹-۴: ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی

میل و اشتیاق مصرف‌کنندگان یکی از عوامل مؤثر در قاچاق کالاهای خارجی است. گسترش ارتباطات راه دور، وجود ماهواره‌های تلویزیونی، دسترسی سریع به اطلاعات مربوطه به عرضه کالاهای جدید و نیز کیفیت آن‌ها و... باعث شده که مصرف‌کنندگان

به ویژه قشر نوجوان و جوان هر روز با کالاهای نو و خوش ظاهر آشنا شوند؛ به ویژه آن که رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی به انواع ابزار، تصاویر، رنگ و... توجه دارند تا بتوانند بیشتر و بهتر بر مصرف کنندگان تأثیر بگذارند و برای کالاهای خود تقاضا ایجاد نمایند. در حال حاضر این موضوع که کالاهای خارجی از کیفیت و مطلوبیت بیشتری نسبت به کالاهای ایرانی برخوردار هستند، تقریباً به یک باور عمومی تبدیل شده است. متأسفانه فرهنگ مصرفی در جهت سوق دادن مردم به مصرف کالاهای خارجی موجب شده است که حتی برخی از واحدهای تولیدی به ناچار محصول خود را به نام خارجی عرضه کنند؛ تبلیغات کالاهای خارجی و تشویق به مصرف آن‌ها در رسانه‌ی جمعی کشور بازار قاچاق کالا را رونق بخشیده و انگیزه قاچاقچیان را برای عرضه کالاهای قاچاق و کسب سودناشی از آن را افزایش می‌دهد.

۴-۱۰: اصلاح و ترمیم نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت

یکی دیگر از عللی که زمینه ارتکاب جرایم اقتصادی از جمله تبانی در قاچاق کالا و ارز توسط کارمندان را فراهم می‌سازد، دستمزد اندکی است که دریافت می‌کنند. کافی نبودن دستمزد کارمندان دولت، مشکلات بسیاری را در زندگی برای آن‌ها ایجاد می‌نماید و باعث می‌شود که برخی از کارمندان بالقوه مستعد ارتکاب مفاسد اقتصادی، برای حل مشکلات خود به این عمل متوسل شده و اقدام به قاچاق یا تبانی با قاچاقچیان نمایند. اگرچه برخی از افراد با حقوق بسیار مکفی هم دست به انجام خلاف خواهند زد اما تعدادشان بسیار اندک خواهد بود.

۴-۱۱: عدم دخالت دولت در نظام تنظیم بازار با اتخاذ سیاست‌های غلط و رانت‌زا

برخی دولت‌ها همواره در طول تاریخ برای اعمال حق حاکمیتی خود اقدام به دخالت در نظام توزیع و تامین کالاها نموده‌اند، لیکن این‌گونه دخالت‌ها که با اتخاذ تدابیر غلط، رانت‌زا، فسادزا و تبعیض‌آمیز همراه است موجب می‌گردد تا چرخه اقتصادی کشور به مخاطره افتاده و تراز عرضه و تقاضا مختل شود و فضا برای ارتکاب جرائم مختلف مهیا گردد، لذا شایسته است دولت‌ها در دخالت در این امور کمتر ورود نموده تا بر اساس شفافیت و عدالت بخش خصوصی فعالیت‌های خود را ادامه داده و دولت‌ها فقط در صورت حدوث تخلف ورود نمایند.

۵- مکانیسم‌های پیشگیری از حبس و کاهش جمعیت کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی با صلاحات ۱۳۹۴/۰۷/۲۱ در ۱۰ فصل به تفصیل پیرامون جوانب مختلف بزه قاچاق کالا و ارز به این پدیده قبیح پراخته که در این بین قانون‌گذار در دو فصل، یکی در فصل دوم به عنوان فصلی به نام پیشگیری از قاچاق و در مادتهای ۴ و ۳ در فصل اول به وضوح به پیشگیری از قاچاق کالا و ارز مزین گردیده است. همچنین قانون معنونه در تدابیر متعددی را نیز در جهت حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری داشته که این مهم در سرفصل امور حقوقی و قضایی موضوع بندهای (۶۴) و (۶۵) سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی رهبری جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های جایگزین تشریح گردیده است که به شرح آتی مواردی را به اختصار بیان می‌دارد:

۵-۱: تکلیف صدور قرار وثیقه مناسب با مجازات مقرر قانونی در پرونده‌های با ارزش کالا بیش از یکصد میلیون ریال در تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور وصول جزای نقدی از محل وثایق سپرده شده متهم برای عدم تحمل حبس از سوی محکوم علیه احتمالی

۵-۲: الزام به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی به طرق مقتضی در ماده ۴۸ قانون مزبور نیز از جمله مواردی است که قانون‌گذار به جهت جلوگیری از تبدیل جزای نقدی احتمالی واقع شده در احکام صادره به حبس، تکلیف شناسایی اموال متهمین را برای مقام قضایی رسیدگی کننده مقرر نموده است تا محکوم به دادنامه‌های صادره را از محل اموال شناسایی و توقیف شده محکوم علیه وصول و از تبدیل به حبس خودداری به عمل آید.

۵-۳: مکان وصول جریمه نقدی از محل فروش وثیقه‌های تودיעی خود یا دیگری یا اموال شناسایی شده متهم مقرر در ماده ۶۰ همان قانون نیز از دیگر مواردی است که مقنن برای ممانعت از معرفی محکومین به جزای نقدی به زندان وضع نموده است.

۵-۴: فروش محل نگهداری کالای قاچاق ممنوع وصول جریمه از محل آن مقرر در

تبصره ۵ ماده ۲۲ قانون مرقوم نیز از مواردی است که برای پیشگیری از حبس وضع شده که اشعار دارد: محل نگهداری کالاهای قاچاق ممنوع که در مالکیت مرتکب باشد، در صورتی که مشمول حکم مندرج در ماده (۲۴) این قانون نشود، توقیف و پلمب می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دوماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جریمه نقدی را نپردازد، حسب مورد از محل فروش آن برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌شود. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع کند از محل نگهداری رفع توقیف می‌شود.

۵-۵: از دیگر موارد قانونی که برای کاهش جمعیت کیفری و ممانعت از حبس‌زایی در این قانون آمده است می‌توان به ارجاع موارد سکوت قانون مزبور در ماده ۵۱ به قوانین عام (آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی) مانند امکان استفاده از تخفیفات مقرر قانونی در اجرای حکم اعم از معافیت ۲۰ درصد جزای نقدی (تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک) و اسقاط حق تجدید نظر خواهی (ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک) و همچنین استفاده از معاذیر قانونی در صورت همکاری جهت کشف و یا دستگیری سرشبکه‌های قاچاق در ماده ۷۲ اشاره نمود.

۶- نتیجه گیری:

اصولاً سه رویه کلی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی و به ویژه قاچاق کالا و ارز وجود دارد:

۱- رویه پیشگیرانه ۲- رویه مقابله ای ۳- رویه ترکیبی (تلفیقی) در این تحقیق سعی شده است قاچاق کالا و ارز از منظر پیشگیرانه و با نگاه حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. شماری از جرم شناسان با الهام از دانش پزشکی، الگوی سه گانه پیشگیری یعنی: نخستین، دومین و سومین از بزه‌کاری را به کار گرفته اند که در این نوشتار نیز مورد بحث قرار گرفت تقسیم بندی‌های دیگری نیز صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به: پیشگیری کوتاه مدت، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری بلند مدت (کلان)، پیشگیری انفعالی، پیشگیری فعال، پیشگیری کنشی یا غیر کیفری، پیشگیری واکنشی یا کیفری، پیشگیری قضایی، پیشگیری انتظامی، پیشگیری عام و پیشگیری خاص، پیشگیری وضعی اشاره نمود.

مبحث دیگر پیشگیری از طریق طراحی محیطی بود که خود به تعیین حدود قلمرو (قلمروگرایی)، مراقبت یا نظارت طبیعی، کنترل طبیعی ورود، تصویر و نگهداری از فضا، - سخت کردن آماج جرم، فعالیت‌های حمایتی و پشتیبانی تقسیم بندی شد و نتیجه گرفته می‌شود که: قرار گرفتن فعالیت ای ناامن در مکان‌های امن یعنی مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان است. از طرف دیگر، فعالیت‌های امن به مانند آهن ربایی عمل می‌کنند که موجب خواهند شد تا افراد یک محله در یک جا دور هم جمع شده و این مسئله موجب می‌شود تا حضور مجرمان کمتر شود.

در پایان با توجه به علوم جرم ناسی و روش‌های پیشگیری از جرم، نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا، مورد توجه واقع شد و از این منظر درصدد برآمده ایم تا راهکارهایی همچون: ارتقای سطح فرهنگ جامعه، توسعه اخلاق حرفه‌ای، تقویت و ارتقای سطح فرهنگ و ارزش‌های دینی، ارتقای آموزش عمومی و تقویت سطح آگاهی شهروندان، گزارش دهی مردمی، رفع محرومیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی کشور، خصوصی سازی، شفاف‌سازی قیمت‌ها و هدفمند کردن یارانه‌ها، ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی، اصلاح و ترمیم نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت، عدم دخالت دولت در نظام تنظیم بازار با اتخاذ سیاست‌های غلط و رانت زاء... ارائه نماییم.

علاوه بر آن سعی شد مکانیسم‌های پیشگیری از حبس و کاهش جمعیت کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مورد اشاره قرار گیرد و ۵ مرحله در آن پیشنهاد شد که محققان ارجمند با توجه به موارد پیش گفته می‌توانند این حوزه‌ها را تعقیب نمایند.

منابع:

۱. اجتهادی، سید عبدالمجید، بزه انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز؛ مبانی و جلوه‌ها، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶
۲. اجتهادی، سید عبدالمجید، سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور، انتشارات دانش انتظامی، شماره ۲ سال نوزدهم، ۱۳۹۶
۳. اجتهادی، سید عبدالمجید، مصادیق جرائم قاچاق کالا و ارز در حقوق کیفری ایران، مجله بررسی‌های حقوقی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

۴. اشنایدر، تاد؛ مترجمین: خدابخش، مهدی و بهربر، سروش، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزشی، نشر دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۵
۵. الهام، غلام حسین و سید محمود میرخلیلی و امیر محمد پرهام فر، چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۳
۶. بیات، مهدی، پلیس در آینه نگرش شهروندان تهرانی، مجله دانش انتظامی، شماره ۴۰ و ۴۱، ۱۳۸۷
۷. چاله چاله، فرشید، اصول و مبانی پیشگیری از جرم، مجله دادرسی، شماره ۶۸، ۱۳۸۷
۸. حدادزاده نیری، محمدرضا، پیشگیری وضعی از بزه دیدگی در جرائم جنسی به عنف، مجله دادرسی، شماره ۷۵، ۱۳۸۸
۹. حیدری، علی مراد، رهامی، محسن، چالش ای فراروی سیاست جنایی در قبال جرائم بدو بزه دیده، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰، ۱۳۸۴
۱۰. راجیان اصلی، مهرداد؛ صادقی، ولی الله؛ پیشگیری مبتنی بر توسعه فرهنگی، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۲
۱۱. طالبیان، حسین؛ الیاسوند، امین، نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا و ارز، مجله کارآگاه، دوره دوم شماره ۲۷، ۱۳۹۳
۱۲. محمودی جانکی، فیروز، قورچی بیگی، مجید، نقض طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، مجله مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳۹، ۱۳۸۸
۱۳. مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزه کاری اقتصادی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰
۱۴. میرخلیلی، سید محمود، توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، مجله مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳ سال سی و هشتم، ۱۳۸۷

۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲، شماره ۱۲۵، تابستان ۱۳۷۸

۱۶. نیازپور، امیرحسین و دیگران، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش گیری از جرم، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۳

۱۷. نیازپور، امیرحسین، حقوقی پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۳